

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛ شبکه های توجه گرافی (Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین مقاله نویسی IEEE و ISI ویژه فنی و مهندسی



مقایسه خوینداره و خودکارآمدی در بین دانش آموزان شهرستان ساری

نام نویسندگان:

مریم طیبی سودکلایی^۱ و سید سجاد نصیری طالشی^۲

چکیده

شناخت فرد از خود به میزان شناخت او از خودکارآمدی و خودپنداری وی مرتبط است. هدف پژوهش حاضر، بررسی خودپنداری و خودکارآمدی در بین دانش آموزان دختر و پسر مقطع ابتدایی شهرستان ساری است. با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، به منظور گردآوری داده‌ها، از میان جامعه آماری موردتحقیق که شامل دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان ساری مشغول به تحصیل در سال تحصیلی ۹۵_۱۳۹۴ می‌باشد، تعداد ۱۵۰ نفر (۷۵ پسر و ۷۵ دختر) به‌عنوان نمونه آماری گزارش شدند. متغیرهای خودپنداری و خودکارآمدی به ترتیب با پرسشنامه‌های خود پنداره مربوط به مدرسه یی یسن چن و خودکارآمدی عمومی شرر مورد ارزشیابی قرار گرفتند. داده‌های حاصل با استفاده از ضریب t مستقل تحلیل شدند. طبق نتایج به‌دست آمده، با توجه به تفاوت میانگین‌ها، پسران از خودپنداره بیشتری نسبت به دختران برخوردار می‌باشند. همچنین دختران از خودکارآمدی بیشتری نسبت به پسران با توجه به تفاوت میانگین‌ها برخوردار می‌باشند.

واژه‌های کلیدی: خودپنداری، خودکارآمدی، ابتدایی، دانش آموزان

مقدمه

شناخت فرد از خود به میزان شناخت او از خودکارآمدی و خودپنداری وی مرتبط است. خودپنداری از جمله موضوعات مطرح در روانشناسی است که از لحاظ اهمیت فراوانی که برای افراد دارد توجه صاحب‌نظران و محققان را به خود جلب کرده است و تعاریف متعددی از آن ارائه شده است. شاولسون و همکاران (۱۹۷۶) معتقد است خودپنداری، ادراکات فرد از خود است که از طریق رویدادهای زندگی، تعامل با دیگران و اسناد رفتاری حاصل می‌شود. دیمون وهارت (۱۹۸۲) معتقد هستند خودپنداری دربرگیرنده دانش فرد نسبت به ویژگی‌ها و توانایی‌های خود است. خودپنداره شامل نگرش‌ها، احساسات و دانش ما درباره توانایی، مهارت و قابلیت پذیرش اجتماعی است. خودپنداره تمام ابعاد شناختی،

^۱ دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی گرایش آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان صدیقه طاهره (س) ساری، ssajjadnasiritaleshi۱۴۴۳@gmail.com

^۲ دانشجوی کارشناسی راهنمایی و مشاوره دانشگاه فرهنگیان شهید رجایی بابل



ادراکی، عاطفی و رویه‌های ارزیابی را در بر می‌گیرد؛ بنابراین، مجموعه نگرش‌های شخص به خود را خودپنداره می‌نامند. متفکران به ویژه در قرن حاضر، بر این باورند که صرفاً انسان دارای تجربه خودپنداره است و تجربه روان‌شناختی منحصر به انسان است. خودپنداره یک واژه کلی است که سه مؤلفه دارد: الف- تصویر خود که به شیوه توصیف از خودمان یعنی به آنچه فکر می‌کنیم هستیم اشاره دارد. (خواه بر اساس واقعیت یا خلاف آن باشد). ب- عزت نفس که به‌طور اساسی جنبه ارزشیابی دارد و به حدی اشاره می‌کند که ما خویشتن را دوست داریم، می‌پذیریم و ارزش دارد درباره آن فکر کنیم. پ- خود آرمانی، همان چیزی است که دوست داریم باشیم و این ممکن است وسعت و درجات متفاوتی داشته باشد. هر چه فاصله بین تصویر خود و خود آرمانی زیادتر شود عزت نفس کاهش پیدا می‌کند (حسن زاده و همکاران، ۱۳۸۴). خودپنداره تصویری است که فرد به هنگام تأمل در مورد ویژگی‌های خودش مشاهده می‌کند؛ اما خودپنداره تنها به آن چه که شخص در مورد خودش می‌بیند خلاصه نمی‌شود و آنچه را هم که فرد احساس می‌کند دیگران در مورد او می‌بینند، دربرمی‌گیرد. بنابراین، خودپنداره از قضاوت‌های واقعی یا تصور شده دیگران و به‌ویژه افراد مرتبط می‌شود (جالاجاس، ۱۹۸۹).

ادراک فرد از کارآمدی خود به عنوان میانجی شناختی عمل انسان است. این ادراک بر تفکر و عمل انسان تأثیر می‌گذارد. خودکارآمدی به معنای توانایی ادراک شده‌ی فرد در انطباق با موقعیت‌های مشخص است و به قضاوت افراد درباره‌ی توانایی آن‌ها در انجام دادن یک کار یا انطباق با یک موقعیت خاص مربوط است. خودکارآمدی به احساس عزت نفس، ارزش خود، احساس کفایت و کارایی در برخورد با زندگی اطلاق می‌شود (بندورا، ۱۹۹۷). این مفهوم به‌عنوان یک متغیر میانجی در تحقیقات روانشناسی به احساس ما در مورد بسندگی و کنار آمدن با مسائل زندگی اطلاق می‌شود (بندورا، ۱۹۸۲). بدیهی است که تفکر، انگیزش، احساسات و رفتار انسان در موقعیت‌هایی که به توانایی خود احساس اطمینان می‌کند، متفاوت با رفتارهای وی در موقعیت‌هایی است که در آن احساس عدم امنیت یا فقدان صلاحیت دارد. درک انسان از خودکارآمدی بر الگوهای تفکر، انگیزش، عملکرد و برانگیختگی هیجانی فرد تأثیر می‌گذارد (شولتز، ۱۹۹۰، ترجمه کریمی و همکاران، ۱۳۸۴).

پیرامون تفاوت‌های جنسیتی در خودپنداری پژوهش‌های متعددی انجام شده است و نتایج متناقضی به‌دست‌آمده است. از جمله میلیگرام و میلیگرام (۱۹۷۶) در تحقیقات خود دریافتند که نمره کلی خودپنداری دختران بالاتر از پسران است. جنسن و گارملی (۱۹۷۲) در مطالعه خود گزارش دادند که میان دختران و پسران در خودپنداره تحصیلی تفاوت معنی داری وجود ندارد. اشنیدر و همکاران (۱۹۸۹) در پژوهش خود نشان دادند که پسران نسبت به دختران خودپنداری بیشتری دارند. گامبینو و رجسکیند (۱۹۹۰) وجود تفاوت‌های جنسی در خودپنداری را در کودکان ۴ تا ۸ سال تأیید کردند. جکسون و همکاران (۱۹۹۶) در ابعاد خودپنداری دریافتند که بین خودارزیابی کلی دختران و پسران تفاوت معناداری به نفع پسران وجود دارد.

در ارتباط با وضعیت خودکارآمدی بر حسب جنسیت، گزارش‌های متفاوتی ارائه شده است. برخی از تحقیقات نشان



داده که خودکارآمدی دختران از پسران بیشتر است. یافته‌های پژوهش بندورا (۱۹۹۳)، گاسبکل و مورفی (۲۰۰۴)، پاچارس (۱۹۹۵_۱۹۹۹)، پنتریچ و دی گروت (۱۹۹۹)، عبدی نیا (۱۳۷۷) و افروز و معتمدی (۱۳۸۶) نشان داد که بین دختران و پسران در بحث مؤلفه خودکارآمدی تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

یکی از اهداف مهم در امر آموزش، افزایش خودپنداری و خودکارآمدی مثبت در دانش آموزان است. تحقیقات نشان می‌دهد که افزایش این مؤلفه در دانش آموزان منجر به نتایج مطلوب در آموزش و افزایش پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان می‌شود. مدارس می‌توانند خودپنداره و خودکارآمدی دانش آموزان ضعیف و دارای پیشرفت اندک را با استفاده از گروه‌بندی برحسب استعداد نابود کنند (باندورا، ۱۹۹۷).

با توجه به پیشرفت فناوری و گذشت زمان که باعث تغییر در شخصیت افراد و ویژگی‌های آن‌ها می‌شود که به نوبه خود در یادگیری، اعتماد بنفس و ویژگی‌های روان‌شناختی آن‌ها تأثیرگذار است. اهمیت خودپنداری و خودکارآمدی برای کسانی که با تعلیم و تربیت سروکار دارند، امری کاملاً روشن و آشکار است. در فرایند یاددهی-یادگیری، نگرش مثبت افراد نسبت به قابلیت‌ها و توانایی‌های خود می‌تواند نقش بسیار مهمی در کیفیت و فعالیت‌های آموزشی آن‌ها داشته باشد. اغلب دانش‌آموزانی که پیشرفت مطلوبی ندارند و پیوسته دچار افت تحصیلی می‌شوند، درباره استعدادهای تحصیلی و توانایی‌های یادگیری خود، تصویر ذهنی منفی و محدودکننده‌ای دارند که بر اثر تعمیم بخشیدن به تجربیات قبلی و نحوه تربیت و آموزش در مراحل مختلف زندگی و در طی دوران تحصیل به وجود می‌آیند

بر اساس پژوهش‌های دیدگاه انسان‌گرایانه، خودپنداری مثبت به همراه خودکارآمدی و پیشرفت تحصیلی به هم مربوط هستند. به عبارت دیگر خودپنداری و خودکارآمدی جزء جدایی‌ناپذیر از جریان یادگیری و رشد دانش‌آموزان است. هدف پژوهش حاضر، مقایسه خودکارآمدی و خودپنداری در بین دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهرستان ساری می‌باشد.

هدف پژوهش

الف_مقایسه خود پنداره بین دانش آموزان دختر و پسر.

ب_مقایسه خودکارآمدی در بین دانش آموزان دختر و پسر.

فرضیه پژوهش

فرضیه اول: خود پنداره مربوط به مدرسه در بین دانش آموزان دختر و پسر متفاوت است.

فرضیه دوم: خودکارآمدی در بین دانش آموزان دختر و پسر متفاوت است.



روش

روش تحقیق در این پژوهش از نوع همبستگی است. جامعه آماری تحقیق حاضر، تعداد ۷۹۰۰ نفر از دانش آموزان مشغول به تحصیل در سال تحصیلی ۹۵_۱۳۹۴ در مدارس مقطع ابتدایی شهرستان ساری می باشند که از این جامعه تعداد ۱۵۰ نفر دانش آموز (۷۵ نفر پسر و ۷۵ نفر دختر) به عنوان گروه نمونه از بین پایه‌های اول تا ششم با روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. شیوه اجرا به این شکل بود که اطلاعات مربوط به خود پنداره و خودکارآمدی از طریق پرسشنامه خودپنداره مربوط به مدرسه یی یسن و آزمون خودکارآمدی عمومی شرر که توسط دانش آموزان تکمیل شد، در همان روز جمع‌آوری گردید.

ابزار پژوهش

با توجه به موضوع تحقیق و متغیرهای موردنظر، برای بررسی و آزمودن فرضیه‌ها از دو مقیاس به شرح زیر استفاده شده است:

الف_ پرسشنامه خود پنداره مربوط به مدرسه یی یسن چن: پرسشنامه حاضر در سال ۲۰۰۴ توسط یی یسن چن پس از اجرا بر روی ۱۶۱۲ دانش آموز دوره‌ی دبستان ساخته شد. تمرکز پرسشنامه‌ی حاضر بر سنجش خود پنداره‌ی دانش آموزان دوره‌ی ابتدایی و راهنمایی است و بر این اساس خود پنداره را در سه سطح عمومی، آموزشگاهی و غیر آموزشگاهی موردسنجش قرار می‌دهد.

پرسشنامه حاضر از نوع خود گزارشی است که شامل ۱۵ عبارت بوده و پاسخ‌ها به صورت مقیاس لیکرتی چهارگزینه‌ای طراحی شده است. آزمودنی‌ها می‌توانند پاسخ‌های خود را از میان گزینه‌های کاملاً موافق (۴)، موافق (۳)، مخالف (۲)، کاملاً مخالف (۱) انتخاب کنند. نمره گذاری آزمون همه‌ی عبارات به صورت مستقیم است. در بالا، امتیاز هر گزینه در کنار آن نشان داده شده است. برای به دست آوردن مجموع نمره‌ی یک آزمودنی، نمره‌ی وی را در تمام عبارات با یکدیگر جمع می‌کنیم. حداقل نمره آزمودنی در این آزمون ۱۵ و حداکثر ۶۰ است. بالاتر بودن نمره آزمودنی نسبت به سایر آزمودنی‌ها نشان‌دهنده‌ی خود پنداره‌ی مثبت وی نسبت به سایرین است.

روایی و پایایی از بررسی‌های آماری نشان‌دهنده‌ی این امر است که انحراف استاندارد، چولگی و کشیدگی نمرات به‌دست‌آمده از اجرای این آزمون در وضعیت بهنجاری قرار دارد. ضریب همبستگی سه عامل خود پنداره‌ی عمومی، آموزشگاهی و غیر آموزشگاهی در سطح اطمینان $p < 0.05$ به ترتیب برابر با ۰.۷۵، ۰.۸۲ و ۰.۸۲ است. ضریب خی یا کای دو که نشان‌دهنده‌ی همبستگی درونی عبارات آزمون بوده و در حالات مختلف از نظر آماری، سطح معنادار را نشان می‌دهد.



ب_ آزمون خودکارآمدی عمومی شرر: این پرسشنامه یک مقیاس هفده سؤالی است که باورهای افراد در مورد توانایی‌های شخصی را می‌سنجد. پاسخ‌ها در این مقیاس بر اساس مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت (از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) محاسبه می‌شود.

آزمون خودکارآمدی که در پژوهش حاضر به کاررفته است به‌وسیله شرر و همکاران (۱۹۸۲) ساخته شده است. برای تهیه مقیاس خودکارآمدی تهیه‌کنندگان آن، ۳۷۶ دانشجوی روان‌شناسی را به‌عنوان نمونه انتخاب کردند. این افراد مقیاس خودکارآمدی را تکمیل نمودند. آزمودنی‌ها میزان موافقت خود را با هر یک از پرسش‌های مقیاس مذکور با گذاشتن علامت در یکی از گزینه‌ها مشخص کردند. ماده‌های این آزمون برای اندازه‌گیری انتظارات خودکارآمدی عمومی مانند مهارت‌های اجتماعی و شایستگی حرفه‌ای نوشته شده بود. این موارد بر موضوعات زیر تمرکز دارند:

-گرایش به آغاز گری رفتار.

-تمایل به ادامه تلاش و کوشش.

-پافشاری در تکلیف در صورت ناکامی.

نمونه اصلی مقیاس شامل ۳۶ ماده بود که بر اساس تحلیل‌های انجام شده، آن‌هایی که بار $0/40$ را در هر یک از عوامل اجتماعی و عمومی داشتند حذف نشدند. بر این اساس ۱۳ ماده که این ویژگی‌ها را نداشتند حذف شدند و مقیاس به ۲۳ ماده کاهش پیدا کرد. ۱۷ ماده باقیمانده از ۲۳ ماده، خودکارآمدی عمومی را می‌سنجید که میانگین و انحراف معیار به ترتیب $57/99$ و $12/08$ بود.

ضریب پایایی این آزمون از طریق روش آلفای کرونباخ برای مقیاس خودکارآمدی برابر $0/86$ است و ضریب پایایی باز آزمایی آن $0/75$ گزارش شده است.

برای سنجش روایی ملاکی، بر اساس نظریه بندورا (۱۹۷۷) که می‌گوید عملکرد موفقیت‌آمیز افزایش انتظارات خودکارآمدی را به دنبال دارد و اگر فرد تجارب موفقیت‌آمیز داشته باشد این تجارب می‌توانند به حوزه‌های دیگر تعمیم یابند عمل شد.

در پژوهشی که به وسیله براتی (۱۳۷۶) انجام گرفت از آزمون خودکارآمدی شرر (۱۹۸۲) استفاده شد. جامعه پژوهش او دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان نظام جدید بودند. برای بررسی میزان روایی و پایایی آزمون، بر روی ۱۰۰ نفر آزمودنی اجرا شد. همبستگی به‌دست‌آمده در از دو مقیاس عزت‌نفس و خودارزیابی با مقیاس خودکارآمدی در جهت تأیید روایی سازه مقیاس بود.

در پژوهش براتی (۱۳۷۶) به منظور بررسی پایایی مقیاس خودکارآمدی از روش دو نیمه کردن استفاده شد. ضریب پایایی از طریق روش اسپیرمن براون با طول برابر $0/75$ و با طول نابرابر $0/76$ و از روش نیمه کردن گاتمن برابر $0/75$ است. آلفای کرونباخ با همسانی کلی سؤالات برابر $0/79$ به دست آمد.

روش نمره‌گذاری پرسشنامه خودکارآمدی به این صورت است که به هر ماده از ۱ تا ۵ امتیاز تعلق می‌گیرد. ماده‌های



شماره ۱، ۳، ۸، ۹، ۱۳ و ۱۵ از راست به چپ امتیازشان افزایش می‌یابد و بقیه ماده‌ها به صورت معکوس، یعنی از چپ به راست امتیازشان افزایش می‌یابد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای بررسی رابطه خودپنداری و خودکارآمدی در بین دانش آموزان دختر و پسر مقطع ابتدایی شهرستان ساری از آمار t مستقل (in dependent sample test) استفاده شده است.

یافته‌ها

در آماره توصیفی آزمودنی‌ها شامل ۷۵ دختر و ۷۵ پسر از مقطع تحصیلی ابتدایی پایه اول تا ششم می‌باشند و در رده سنی ۷ تا ۱۲ سال می‌باشند.

فرضیه اول: خود پنداره مربوط به مدرسه در بین دانش آموزان دختر و پسر متفاوت است.

جدول ۱: آماره t مستقل (مقایسه خود پنداره مربوط به مدرسه در بین دانش آموزان دختر و پسر)

Sig	t	م	انحراف استاندارد		میانگین		متغیر
			پسر	دختر	پسر	دختر	
۰۰۰	۱/۹۸	۹/۵۱	۳/۰۵	۴/۲۴	۵۱/۰۹	۴۵/۳۴	خود پنداره

Df=۱۴۸, *p<۰/۰۵, n=۱۵۰

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که در متغیر خود پنداره مربوط به مدرسه و مقایسه آن در میان دختران و پسران، تفاوت معنی داری مشاهده شده است و با توجه به تفاوت میانگین‌ها، پسران از خود پنداره بیشتری نسبت به دختران برخوردار می‌باشند.

فرضیه دوم: خودکارآمدی در بین دانش آموزان دختر و پسر متفاوت است.

جدول ۲: آماره t مستقل (مقایسه خودکارآمدی در بین دانش آموزان دختر و پسر)

Sig	t ب	t م	انحراف استاندارد		میانگین		متغیر
			پسر	دختر	پسر	دختر	
۰/۰۲	۱/۹۸	۲/۳۵	۲۲/۰۱	۲۰/۷	۵۴/۳۲	۶۲/۵۳	خودکارآمدی

Df=۱۴۸, *p<۰/۰۵, n=۱۵۰

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که در متغیر خودکارآمدی و مقایسه آن در میان دختران و پسران، تفاوت معنی‌داری مشاهده شده است و با توجه به تفاوت میانگین‌ها، دختران از خودکارآمدی بیشتری نسبت به پسران برخوردار می‌باشند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، به‌منظور مقایسه خودپنداری و خودکارآمدی در بین دانش آموزان دختر و پسر مقطع ابتدایی شهرستان ساری انجام شد، از نتایج پژوهش آن بود که بین خودپنداری دختران و پسران تفاوت معنی‌داری وجود دارد. نتیجه پژوهش این فرضیه را تأیید کرد که بین دختران و پسران به نفع پسران تفاوت آماری معناداری وجود دارد. این نتیجه با نتایج جکسون و همکاران (۱۹۹۶)، اشنیدر و همکاران (۱۹۸۹)، گامبینو و همکاران (۱۹۹۰) همسو است، اما نتایج مذکور با نتایج تحقیقات مشابه البرزی و سامانی (۱۳۷۸)، میلگرام و میلگرام (۱۹۷۶) ناهم‌هنگ است. نتایج حاصل از تحقیقات مشابه با این تحقیق عمدتاً متفاوت است و این امر نشان‌دهنده وجود عوامل متعدد تأثیرگذار بر خودپنداری است که از جمله می‌توان به بافت خانوادگی و سنتی حاکم بر جامعه اشاره کرد.

یافته‌های این تحقیق نشان داده است که بین خودکارآمدی عمومی دختران و پسران تفاوت معنی‌داری وجود دارد و این متغیر در دختران میزان بیشتری را نسبت به پسران نشان می‌دهد. نتایج این تحقیقات با نتایج تحقیقات پاچارس (۱۹۹۴) تا (۱۹۹۷) و مایال ۲۰۰۲ همسو است. روانشناسان معتقدند که تفاوت‌های مربوط به جنس، حاصل ادراکاتی است که ریشه در عوامل فرهنگی و اجتماعی دارد و اکتسابی است.

خودپنداره ترکیبی از تمامی افکار و احساس تصویری است که شخص نسبت به خود دارد. خودپنداره هر کس از همان ابتدای تولد، به‌ویژه از زمانی که توانسته با دیگران ارتباط برقرار کند، شروع به شکل‌گیری می‌کند؛ یعنی بر اثر

تعامل و ارتباط برقرار کردن با پدر و مادر، خواهر و برادر، بستگان و اقوام، دوستان، همکلاسی‌ها، معلم و غیره شناخت او از خود بیشتر می‌شود و به تدریج شناسایی مجموعه ویژگی‌های او کامل می‌شود. امروزه بیشتر دانشمندان و روانشناسان معتقدند که خودپنداره تعیین‌کننده رفتار فرد است.

مفهوم خودکارآمدی تاریخچه نسبتاً کوتاهی دارد که با فعالیت‌های بندورا (۱۹۷۷) آغاز می‌گردد. وی در نوشته‌ای تحت عنوان «به‌سوی یکپارچه کردن تئوری‌های تغییرات رفتار» به این موضوع اشاره کرد. (پاجریس، ۱۹۹۶، بندورا، ۱۹۸۶)، خودکارآمدی یعنی قضاوت‌های افراد در مورد توانایی‌های خود بندورا که این باورهای افراد نسبت به توانایی‌هایشان روی تلاش و پشتکار آن‌ها اثر می‌گذارد.

به‌طور کلی زمانی که افراد بر این باور باشند که قابلیت‌ها و توانایی‌های لازم برای انجام فعالیت‌ها را دارند، برای انجام آن تکلیف وقت بیشتری صرف نموده و در نهایت به نتایج بهتری دست پیدا خواهند کرد. هرچند، عواملی در آن دخیل باشند.

پیشنهادهای

- ۱- تغییر دادن خودپنداره دانش‌آموز امکان‌پذیر است، ولی این تغییر کار ساده‌ای نیست. تغییر باید به آهستگی و در طول زمان صورت گیرد.
- ۲- تلاش و کوشش‌هایی که روی اعتقادات و باورهای دانش‌آموز متمرکز باشند، تأثیر و نفوذ بیشتری روی او دارند.
- ۳- تجربیات محیطی و ارتباط دادن موفقیت دانش‌آموز با توانایی‌های او بسیار مفید و مؤثر است.
- ۴- مهم‌ترین کاری که معلم می‌تواند انجام دهد، کمک و حمایت عاطفی و عقلانی به دانش‌آموز است.
- ۵- بهترین چیز برای دانش‌آموز در کلاس درس آن است که احساس امنیت و آرامش کند و مورد تشویق معلم خود قرار گیرد.
- ۶- دانش‌آموز باید به معلم و سایر اعضای گروه خود اعتماد و اطمینان داشته باشد تا بتواند نگرش و احساسات خود را به‌طور آشکار بیان کند.
- ۷- دانش‌آموز باید به این باور برسد که در مدرسه و کلاس درس ارزشمند و مؤثر بوده و از حمایت و محبت معلم برخوردار است.
- ۸- معلم باید فضایی آکنده از دلسوزی و اعتماد را در کلاس درس حاکم کند تا دانش‌آموز احساس ترس و تهدید نکند. در صورتی که چنین محیطی فراهم نشود، تلاش‌های معلم برای افزایش اعتماد به نفس در دانش‌آموز بسیار محدود و مشکل خواهد شد.



منابع

- البرزی، شهلا و سامانی، سیامک (۱۳۸۷). مقایسه خودپنداری در میان دختران و پسران مقطع راهنمایی مراکز تیزهوشان شهرستان شیراز. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ص ۲۰_۳.
- اتکینسون، ال.ریتا و هیلگارد، ارنست (۱۹۸۳). زمینه روانشناسی، ترجمه محمدتقی براهنی و همکاران (۱۳۶۹). تهران: رشد، ص ۱۰۱.
- پژوهش نامه مبانی تعلیم و تربیت. دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۲، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۱.
- حسنزاده، رمضان؛ حسینی، سیدحمزه و مرادی، ذبیده (۱۳۸۴). بررسی رابطه بین خودپنداره کلی دانش‌آموزان و عملکرد تحصیلی آن‌ها. فصلنامه دانش و پژوهش در روان‌شناسی، سال هفتم، شماره ۲۴.
- حسنزاده، کبرا (۱۳۸۹). تأثیر ارزشیابی توصیفی در بهبود کیفیت فرایند یاددهی_یادگیری دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهر تهران از دیدگاه معلمان در سال تحصیلی ۸۹_۸۸، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- حجازی، الهه؛ فارسی نژاد، معصومه و عسگری، علی (۱۳۸۶). سبک‌های هویت و پیشرفت تحصیلی: نقش خودکارآمدی تحصیلی. مجله روانشناسی، سال ۱۱، شماره ۴، ص ۲۱۲_۲۰۳.
- شاملو، سعید (۱۳۸۲). مکتب‌ها و نظریه‌ها در روانشناسی شخصیت. چ ۷، تهران: رشد، ص ۱۴۲.
- شولتز، دوران (۱۳۸۴). نظریه‌های شخصیت. مترجمان: یوسف کریمی، فرهاد جمهری، سیامک نقش‌بندی، بهزاد گودرزی، هادی بحیرایی، محمدرضا نیک‌خواه. تهران: نشر ارسباران، (تاریخ نشر کتاب به زبان اصلی، ۱۹۹۰).
- کریمی، حسن. بررسی و مقایسه خودپنداره کودکان پرورشگاهی و غیر پرورشگاهی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- لارنس، پروین و اولیور، جان (۱۳۸۴). شخصیت نظریه و پژوهش. مترجمان: محمدجعفر جوادی، پروین کدیور. تهران: نشر آبیژ، (تاریخ نشر کتاب به زبان اصلی، ۲۰۰۱).
- پرکی، ویلیام. دلبلیو (۱۳۸۷). خودپنداره و موفقیت تحصیلی. تهران: یسطرون، ص ۲۴.
- ۱۲-Bandura.A (۱۹۹۷). Cognitive Processes in mediating Behavioral Changes. Journal Of Personality & Social Psychology. ۳۵.۱۲۵_۱۳۹.
- ۱۳- Ferla, J. Valcke, M. Cai, Y. (۲۰۰۹). Academic self-efficacy and academic self-concept: Reconsidering structural relationships. Learning and Individual Differences, ۱۹, ۴۹۹- ۵۰۵.

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛ شبکه های توجه گرافی (Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین مقاله نویسی IEEE و ISI ویژه فنی و مهندسی